نقد مالاسمامعیل خواجویی بر استظهار آقا حسین و فیض

- مخالفت لغت «غدوة» با رویت قبل از زوال

مخالفت لغت «غدوة» با روی‌ت قبل از زوال

> **أقول: و قد مضى ما فيه أيضا، هذا اذا كان المراد بالهلال المذكور في الحديث غرة القمر، و يحتمل أن يكون المراد به ما يرى قبل المحاق و الدخول تحت الشعاع في اليوم السابع و العشرين، بل هذا هو الاظهر، كما يشعر به تقييد الهلال في الثاني بالجديد و تركه في الاول فان لنا في كل شهر هلالين مسائي و هو في المغرب، و هذا جديد بالنسبة الينا في غرة القمر، و غدوي و هو في المشرق، و هذا قديم بالنسبة الينا في سبع و عشرين [1]**

تا آن جا که می‌فرمایند: **«أقول: و قد مضى ما فيه أيضا».** این دو-سه روز که فاصله می‌شود، خوب است ببینیم کتاب مل اسماعیل خواجویی افتادگی دارد یا ندارد. مقصودشان چیست. از جاهایی است که از نظر طلبگی رفت‌وبرگشت در آن فایده دارد. ببینیم ایشان از حرفشان بر می‌گردند؟ یکی می‌گویند «هذا هو الاظهر»، دوباره اشکال می‌کنند. ببینیم این افتادگی دارد یا نه.

«أقول: و قد مضى ما فيه أيضا، هذا اذا كان المراد بالهلال المذكور في الحديث غرة القمر»؛ یعنی بعد از مقارنه، برای اول ماه.

«و يحتمل أن يكون المراد به ما يرى قبل المحاق» یعنی هلال قدیم، برای آخر ماه.

> 49:10

«و الدخول تحت الشعاع في اليوم السابع و العشرين، بل هذا هو الاظهر». نکته خوبی که در جلسه قبل گفتم به‌صورت احتمال گفتم ایشان از لغت می‌آورند. می‌گویند اظهر همین است، چرا؟ **«كما يشعر به تقييد الهلال في الثاني بالجديد و تركه في الاول»؛** یعنی قبلی قدیم است و برای ماه قبل است، این یکی هلال جدید است و برای ماه بعد است. پس آن هم هلال است. می‌گوییم آیا این‌طور چیزی استعمال هم دارد؟ می‌گویند: **«فان لنا في كل شهر هلالين مسائي و هو في المغرب، و هذا جديد بالنسبة الينا في غرة القمر، و غدوي و هو في المشرق»؛** هلال غَدَوی، یعنی هلالی که طرف صبح آن را می‌بینیم. **«و هذا قديم بالنسبة الينا في سبع و عشرين».**

> **قال صاحب القاموس: الهلال غرة القمر أو ليلتين أو الى ثلاث أو الى سبع، و ليلتان من آخر الشهر ست و عشرين و سبع و عشرين، و في غير ذلك قمر انتهى. و حينئذ فدلالة هذه الرواية بحسب المفهوم على كون الهلال الذي رؤي في المشرق لليلة الماضية ممنوعة. و انما قيد بقوله «فلم ير» ليشير به الى ما أشار اليه أهل التنجيم من أنه اذا لم ير قبل زوال ذلك اليوم، فهو ممكن الرؤية في ليلة الثلاثين و الشهر ناقص، و ان رؤي فيه لم يمكن رؤيته في تلك الليلة و الشهر تام.[2]**

«قال صاحب القاموس»؛ عبارت را برای اینجا خواندم. **«الهلال غرة القمر أو ليلتين أو الى ثلاث أو الى سبع، و ليلتان من آخر الشهر»؛** چرا لیلتان؟ چون قبلش دیگر بزرگ هستند. آن دو شب آخر که حداقل بیست و ششم، و بیست و هفتم است، دو هلال داریم. **«ست و عشرين و سبع و عشرين»؛** بیست وششم، و بیست و هفتم که هلال، هلال است. قبلش هنوز درشت است. **«و في غير ذلك قمر انتهى»**. اگر مایل بودید شنبه ادامه عبارت را بخوانیم و اگر مایل نبودید مصباح سید را بخوانیم.

والحمد لله رب العالمين

---

[1] همان

[2] همان